

۲ گزارش از سفر

هیأت‌های ایرانی

به اتریش و سوئیس



دکتر محمد صالحی راد

## گزارش دوم

# حضور در کارگاه بین‌المللی دادرسی ویژه نوجوانان ۲۴ تا ۲۸ خردادماه سال ۱۳۷۸ سیون - سوئیس

### مقدمه

به دعوت سازمان بین‌المللی یونیسف، از تاریخ ۲۴ الی ۲۸ خردادماه سال ۷۸، هیأتی هفده نفره از ایران، مرکب از قضات و مسئولین قضائی، اساتید دانشگاه و نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای شرکت در کارگاه بین‌المللی دادرسی ویژه نوجوانان به شهر «سیون» مرکز کانتون «واله» سوئیس عزیمت نمودند.

برنامه کارگاه مزبور مشتمل بر سخنرانی کارشناسان حقوق کودک و نیز جلسات گروهی بحث و تبادل نظر در زمینه‌های مختلف حقوق کودکان و نیز دیدار از دو مرکز نگهداری و بازپروری کودکان بزهکار بود. در تعمیم فایده این سفر که آگاهی از مسائل مطرح در زمینه حقوق کودکان است، چون مجال ذکر همه گفته‌ها و شنیده‌ها و دیده‌ها نیست، به نقل مجملی از سخنان کارشناسان شرکت‌کننده در این برنامه می‌پردازد.

دراین که کارشناسان اروپایی حقوق کودک از حوزه فرهنگی دیگری برخاسته و

در اقلیم اقتصادی - اجتماعی متفاوتی می‌زیند تردیدی نیست. اما اگر که به تأمل بنگریم درمی‌یابیم که جوهر حقوق کودکان فرامکانی است. چه عمده آنچه که آنان می‌گویند یا آنچه در پیمان‌نامه حقوق کودک یا رهنمودهای ریاض و مقررات پکن مسطور است بیان حداقل حقوق طبیعی و ساده کودکان است و آیا نه آنکه گلهای همه از یک سلاله‌اند و هر جا که باشند، اینجا یا آنجا، به لحاظ سادگی و شکنندگی به حمایتی یکسان نیازمندند؟ پس از منظری، حقوق کودک نه غربی و شرقی، بل جهانی است. از منظری دیگر نیز حقیقت آن است که عمده این اصول تجلی پرتوی از ارزشهای اسلامی در حفظ کرامت کودکان و لاجرم حقوقی آشناست. پس به این جهات و نیز به دلیل پیوستن ایران به پیمان‌نامه حقوق کودک و نیز رعایت مصلحت ملی خویش، که نیمی از جمعیت کشورمان کودکان و جوانانند، ناچار از رعایت سرعت و دقت در امر سامان‌دهی قانونی به حقوق کودکانیم. این هدفی است که مرکز تحقیقات و پژوهشهای قضائی قوه قضائیه، با همه قلت امکانات، به آن آغاز کرده است. انتظار آن است که همه اندیشمندان، حقوقدانان، وکلاء و خصوصاً همکاران قضائی با ارائه نظرات خویش ما را در رفع تنگناها و نمایاندن راهکارهای حفظ و رعایت حقوق انسانی کودکان در همه ابعاد آن یاری دهند. این گزارش نیز که مشتمل بر اجمالی از نکات برجسته گفتار کارشناسان در زمینه حقوق کودک است به آنان پیشکش می‌شود.

محل انعقاد جلسات، «مؤسسه دانشگاهی کورت بوش»<sup>۱</sup> بود. ساختمانی نوساز و سفید در متن سبز طبیعت که رودباری با آبی زلال از کنار آن می‌گذشت. گرداگرد ساختمان مزرعه و باغ بود که در دوردستها به تپه‌های جنگلی می‌رسید. محیط چنان آرام بود که جز عبور گهگاه یکی دو تن از کنار پنجره‌های بزرگ شیشه‌ای محل اجلاس چیزی آرامش حاضران را برنمی‌آشفست.

## دوشنبه ۲۴ خرداد

شروع جلسات روز دوشنبه ۲۴ خردادماه بود. خانم «رناته وینتر»<sup>۱</sup>، قاضی دادگاه نوجوانان اتریش در وین و مدیر جلسات، خیرمقدم گفت. روز قبل نیز او به استقبال هیأت ایرانی آمده بود و با او آشنا بودیم. زنی ساده‌پوش و بلندبالا که اگرچه جوانی را پشت سر گذاشته بود اما پرجنب و جوش می‌نمود و بیشتر در حال دویدن بود و برخوردی گرم و صمیمانه داشت.

با بیان برنامه‌های هفته، هدف از سمینار را بحث و گفتگو درخصوص حقوق کودکان عنوان کرد و در اهمیت مسأله یادآور شد که در سال ۲۰۰۰ میلادی بیش از نیمی از جمعیت کره خاک، جوانان زیر ۱۸ سال خواهند بود و اینکه، براین اساس هزینه پیشگیری از وقوع جرم هزینه لازمی است چرا که اگر نوجوانان به حال خویش رها شوند جامعه، در آینده‌یی نه چندان دور، با بزرگسالانی جنایتکار روبه‌رو خواهد شد. بنابراین بحث از نظامهای مختلف حقوق کودکان و اطلاع از تجربه دیگران می‌تواند کمکی باشد به کشور ایران در گزینش طریقی اصلح. خانم وینتر ضمن این که ایران را که از آن دیداری نیز داشته است کشور بزرگی می‌دانست از توان و کفایت ایرانیها نیز سخن گفت و اینکه ایران می‌تواند با جهت‌گیری و اقدام خویش در زمینه حقوق کودک رهبری منطقه را در این میدان به عهده گیرد.

پس از او آقای «ژان زرماتن»<sup>۲</sup> رئیس دادگاه نوجوانان در ایالت «واله»<sup>۳</sup>، که به تعبیری میزبان هیأت بود، بعد از معرفی اجمالی مؤسسه، هدف آن را ارتقاء حقوق کودک دانست تا چنان شود که کودکان با روح پیمان‌نامه حقوق کودک بارآیند و همیشه این‌مسأله مطرح باشد که حقوق کودک چیست تا شاید روزی فرارسد که

1- Renate WINTER.

2- JEAN ZERMATTEN.

3- Valais.

قانونگذاری در مسائل کودکان با توجه به حقوق آنان انجام گیرد و در خانه و مدرسه اهمیت حقوق کودک همپایه حقوق بشر شود و کمتر مورد تهدید قرار گیرد. چه به زعم او اگرچه در زمینه استقرار حقوق کودک سعی و تلاشی وافر صورت گرفته ولی هنوز بعضی از کشورها مفاد پیمان‌نامه حقوق کودک و رهنمودها در زمینه حقوق آنان را به چیزی نشمرده یا به درستی نمی‌دانند که مسئولیت آنها در قبال این پیمان‌نامه و رهنمودها چیست. آقای زرماتن صمیمانه و دردمندانه سخن می‌گفت و گاه از بالا، و از پشت عینک به دنبال انعکاس سخنانش در چهره‌ها می‌گشت.

سخنران بعدی پروفسور «سپرینگو روم»<sup>۱</sup> استاد حقوق دانشگاه مونیخ آلمان بود. فرزانه‌یی فروتن که عمری را در اعتلای حقوق کودکان کوشیده است. او در خصوص «جایگاه کودکان و نوجوانان در اجتماع» سخن گفت و اینکه جامعه، جامعه ما بزرگسالان است. یعنی که ما بزرگسالان در بررسی مسائل جامعه با نظرهای خود آغاز می‌کنیم و با همین نظرها نیز به پایان می‌بریم حال آنکه باید پاسخگوی مسائل جوانان بود. از لزوم آموزش کودکان و نوجوانان و پرهیز از خشونت سخن گفت. آموزش نه به معنای تحمیل عقیده و هل دادن جوان به سمت و سویی معین بلکه به مفهوم رهبری و هدایت. دست او را گرفتن و او را گام به گام فراتر آوردن. از نقش والدین و معلمین در زمینه تربیت کودکان سخن گفت و اینکه امروز به اثبات رسیده است که کودکان حتی در نوپایی از آنچه در پیرامون آنان می‌گذرد آگاهند. خشونت و تندی به کودکان را زمینه‌ساز خشونت‌زایی آنان دانست و مثالهایی از تحقیقات به عمل آمده درخصوص اثر جنگ داخلی بر کودکان کاتولیک در ایرلند شمالی و نیز بر کودکان رواندا آورد.

حسب این تحقیقات، جنگ ایرلند سلامت روانی کودکان آن دیار را کمتر به خطر انداخته حال آنکه جنگ و آوارگی در رواندا بر سلامت عاطفی کودکان آن کشور تأثیر

منفی و عمیقی داشته است. و او علت این تفاوت تأثیر را در آن می‌دانست که کودکان روآندایی، برخلاف ایرلندیها، تنها نظاره‌گر خشونت نبوده بلکه خود درگیر ماجرا و در متن خشونت بوده‌اند.

سخنران بعدی «گیرت کاپلار»<sup>۱</sup> بود. کارشناس یونیسیف و مطالعه‌کننده روند دادرسی نوجوانان در جهان که در گفتاری با عنوان «دادرسی ویژه نوجوانان و مقابله با جرائم آنان: از کجا آمده‌ایم و به کجا می‌رویم» با بیان حساسیت و پیچیدگی دادرسی نوجوانان به توضیح موارد زیر پرداخت.

۱- دلالت دادرسی نوجوانان: دادرسی نوجوانان در هر کشور مبین واقعیتی است متفاوت از کشور دیگر و اینکه شرایط اجتماعی و اقتصادی هر کشور در این امر تأثیری تام دارد. ولی نکاتی که هست اینکه اولاً: اعمال نظام دادرسی نوجوانان در گرو تمایل جامعه به در نظر گرفتن مسائل خاص جوانان است. همه چیز از این احساس سرچشمه می‌گیرد که صرف مجازات کودکان و نوجوانان بزهکار مناسب‌ترین راه نیست بلکه باید با پدیده بزهکاری مقابله کرد و لهذا این نظام تنها ناظر به کودکان نیست چه گاه باید در شرایط حاکم بر خانواده نیز دخالت نماید. پس نظام دادرسی نوجوانان باید مشکلات خانواده و حمایت از آن را هم ملحوظ دارد.

ثانیاً: در بعضی از کشورها، به لحاظ اثرات منفی مراجعه به پلیس و دادگاه، رسیدگی به مشکلات جوانان تنها به قوه قضائیه محول نگردیده است. بلکه نهادهای اداری دیگر هم در ارتباط با کودکان بزهکاری که نیاز به حمایت دارند، به فعالیت مشغولند و این نظام اداری با سهولت بیشتری می‌تواند وارد عمل شود. لذا در این کشورها نظام دادرسی متضمن هر دو جنبه قضائی و اداری است.

ثالثاً: بعضی از کشورها دارای نظام دادرسی ویژه جوانان هستند ولی بعضی از کشورها در مقررات موجود خود موادی را به این امر اختصاص داده‌اند.

۲- دلیل برقراری نظام دادرسی جوانان: دلیل عمده‌یی که موجب شد بعضی از کشورها از سده پیش نظام دادرسی جوانان را به اجرا درآورند این بوده است که درخصوص جوانان باید شیوه‌یی را برگزید که هدف آن نه سرکوب بلکه بازپروری و آموزش و تربیت باشد.

۳- وقوف بر این امر که تنها از طریق اعمال دادرسی جوانان همه مشکلات آنان گشوده نخواهد شد. باید صادق بود و پذیرفت که حتی در برخی از کشورها برقراری نظام دادرسی جوانان ممکن است بهانه‌یی برای شانه خالی کردن از مشکلات اجتماعی کودکان و خانواده‌ها باشد. چه بدیهی است که فی‌المثل دادرسی نوجوانان مسأله فقر خانواده‌ها را حل نخواهد کرد. پس امر پیشگیری یکی از نکات اصولی است و در واقع گام اول در حمایت از حقوق کودک، اعمال سیاستهای اجتماعی مطلوب است و نه دادرسی نوجوانان. به این لحاظ مفاد پیمان‌نامه حقوق کودک به هر دو جنبه پیشگیری و دادرسی عنایت نموده و برای هر دو امر اهمیتی یکسان قائل گردیده است.

### سه‌شنبه ۲۵ خرداد

خانم «ژالدین وان بورن»<sup>۱</sup>، وکیل دادگستری و استاد حقوق بشر و مدیر برنامه حقوق بین‌المللی کودک در دانشکده Queen Mary & Westfield دانشگاه لندن نخستین سخنران امروز بود. هرچند عنوان گفتارش «ایران و استانداردهای بین‌المللی مربوط به دادرسی‌کیفری نوجوانان» بود اما درسش جز شرکت ایران در تهیه و تدوین

1- Geraldine VAN BUEREN.

پیمان‌نامه حقوق کودک و اینکه اصول این پیمان تجلی ارزشهای اسلامی است، اشاره‌ی دیگر به مسائل ایران نبود.

وی به تحلیل موادی از پیمان‌نامه حقوق کودک پرداخت و خصوصاً بر ماده ۴۰ آن که بیانگر آن است که باید با کودکان بزهکار به گونه‌ی رفتار شود که شرافت و ارزش آنان محفوظ بماند پای فشرد و اینکه مطابق همین اصل آموزش دیدن پلیس و وکلاء و قضاتی که با کودکان سر و کار دارند امری ضروری است.

سپس درخصوص حداقل سن مسئولیت کیفری و تمایل مشترک کشورها به بالا بردن میزان این سن و نیز لزوم برابری این سن در پسران و دختران سخن گفت و اینکه در صورت وجود تفاوت در این زمینه، موضوع در تناقض آشکار با ماه ۲ پیمان‌نامه خواهد بود که براساس آن اعمال هرگونه تبعیضی براساس جنسیت ممنوع است. براساس ماده ۲۷ پیمان‌نامه حقوق کودک اظهار داشت که محرومیت از آزادی باید آخراً دواء باشد. و نیز باید با همه کودکان محروم از آزادی با احترام و رفتاری در خور شأن انسانی رفتار شود و اینکه حقوق کودکان در زمینه دادرسی نوجوانان از چنان اهمیتی برخوردار است که کمیته‌ای برای ارائه گزارش در سال ۲۰۰۰ میلادی مشغول بررسی این امر است که آیا کشورهای مختلف، مفاد پیمان‌نامه را به اجرا درآورده‌اند یا خیر. سپس از الزام کشورها به اجرای سه قاعده بین‌المللی دیگر سخن گفت:

۱- رهنمودهای سازمان ملل متحد برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان (رهنمودهای ریاض)<sup>۱</sup>

۲- حداقل مقررات مطلوب سازمان ملل متحد برای اداره تشکیلات قضائی مربوط به نوجوانان (مقررات پکن)<sup>۲</sup>

۳- مقررات سازمان ملل متحد برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی.<sup>۳</sup>

۱- قبول و اعلام شده در قطعنامه ۴۵/۱۱۲ مجمع عمومی به تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰.

۲- قبول و اعلام شده در قطعنامه ۴۵/۳۲ مجمع عمومی به تاریخ ۲۹ دسامبر ۱۹۸۵.

۳- قبول و اعلام شده در قطعنامه ۴۵/۱۱۲ مجمع عمومی به تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰.

سپس خانم «به‌آور شراگن»، استاد حقوق درخصوص «پیمان‌نامه حقوق کودک و قوانین مربوط به خانواده» سخن گفت و با بررسی پیمان‌نامه حقوق کودک، نکاتی را در ارتباط با حقوق خانواده یادآور شد به خلاصه این که اصولاً پیمان‌نامه حقوق کودک براساس این اعتقاد شکل گرفت که خانواده محیط رشد و ترقی اعضای آن و خصوصاً اطفال است. پس شرایط حاکم بر خانواده باید چنان باشد که آنان بتوانند تکالیف خود را به نحو کامل ایفاء نمایند. محیط خانواده، آنچنان که در مقدمه پیمان‌نامه آمده است، باید به واقع محیطی پر از عشق و تفاهم باشد.

با توجه به شرایط فرهنگی - اجتماعی هر جامعه به تدریج باید حق تحفظ کشورها محدود شود و اصول پیمان‌نامه به تمامی به اجرا درآید و از جمله درخصوص تفاوت بین پسر و دختر، هرچند وجود تفاوت طبیعی مفروغ‌عنه است، ولی سطح بلوغ فکری آنان به یک حد رسیده و بنابراین سن شروع مسئولیت در هر دو جنس باید یکسان باشد.

### چهارشنبه ۲۶ خرداد

خانم «آن ماری سکلتن»<sup>۱</sup> وکیل حقوق بشر از کشور آفریقای جنوبی درخصوص «ایجاد نظام قضائی ویژه نوجوانان: چالشهای پیش‌رو» براساس تجربیات خود در آفریقای جنوبی سخن گفت و با نقل گفته «نلسون ماندلا» در سال ۱۹۹۴، مبنی بر اینکه «ما باید کودکان کشور را انجات دهیم» اظهار داشت که در آن تاریخ، به نظر ماندلا، کودکان در زیر بار ستم استبدادی پیشین قرار گرفته بودند و باید نجات پیدا می‌کردند. به همین لحاظ از سال ۱۹۶۶ بعد از استقرار حکومت دمکراسی در کشور، وزیر دادگستری، کمیته‌یی به منظور وضع مقررات جدید تشکیل داد که این کمیته پس از بحثها و مشاوره‌های فراوان در کار اتمام لایحه نهائی جهت تقدیم به مجلس است.

1- Ann marie SKELTON.

نامبرده براساس تجربیات خویش در افریقای جنوبی از موانع و مشکلات راجع به عدالت مربوط به مسائل کودکان و نوجوانان چنین سخن راند که در وهله اول باید امکانات موجود در جامعه را ارزیابی کرد. چه تنها آنچه زمینه اجرای آن فراهم آمده امکان تحقق دارد. آری می‌توان رویایی بود ولی باید عملی اندیشید.

دو یگر آنکه برای دگرگونی در نظام دادرسی نوجوانان باید اراده سیاسی جامعه را به همراه داشت در اوایل استقرار دولت نلسون ماندلا، امر اصلاح نظام ناظر به عدالت کودکان از حمایت‌های زیادی برخوردار بود ولی چون اراده سیاسی را به همراه نداشت کارها به کندی پیش می‌رفت. البته معنای این سخن آن نیست که حمایت و دست‌اندرکاری سیاستمداران کافی است چرا که دگرگونی نظام، حمایت قضات، پلیس و بسیاری دیگر را هم می‌طلبد.

سه دیگر آنکه وضع قانونی جامع و مانع برای کودکان بسیار مطلوبتر از ایجاد تغییراتی در قوانین موجود است. قانون ویژه‌یی که متضمن روش دادرسی، نحوه اداره دادگاه بسیاری از مسائل دیگر باشد به مراتب کارسازتر است. در این زمینه اسناد بین‌المللی از جمله مقررات پکن راهنمای مناسبی است که زمینه‌های مطلوب در وضع یا اصلاح قانون رابه دست می‌دهد.

در اهمیت واژه‌های انتخابی، درخصوص اصل مساوات، که یکی از اصول اساسی پیمان‌نامه حقوق کودک است، گفت که این اصل در افریقای جنوبی بیرون آمده از تبعیض نژادی دارای اهمیتی اساسی بوده است و دیگر اینکه چون اصل، براهت است به‌کارگیری عنوان «کودک بزه‌کار» نامناسب است. چه این پسوند برجسبی خواهد بود بر جبین کودک. به همین لحاظ در افریقای جنوبی نظام دادرسی مربوط به کودکان صرفاً با عنوان «کودک»، و بی‌دنباله بزه‌کار، به کار می‌رود.

وی آنگاه از مساعی معمول در کشورش به منظور تمهید بهترین شیوه در تسریع

رسیدگی به پرونده‌ها نیز سخن گفت و اضافه کرد که ضروری است که حتی محکومیت کودکان نمی‌بایست برای آنها سابقه ایجاد کند، امری که حسب اظهار وی هنوز در آن کشور محقق نشده، ولی کوشش بر آن است تا چنان شود که محکومیت جوانان زیر ۲۰ سال برای آنان سابقه به شمار نیاید.

از شیوه‌های جایگزین حبس در افریقای جنوبی هم سخن گفت. شیوه‌هایی که می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

۱- نظارت تربیتی در خانه - که کودک صرفاً برای رفتن به مدرسه از منزل خارج شده و پس از بازگشت در خانه می‌ماند و مددکاری بر این امر نظارت می‌نمایند.

۲- آموزش کار اجباری - که به کودکان کار و حرفه‌ای آموزش داده می‌شود.

۳- کار در مؤسسات غیرانتفاعی بدون دریافت مزد - تا از این ممر خسارات ناشی از اعمال خلاف آنان جبران شود.

۴- مجازاتهای ترمیمی - که بعضی از پرونده‌ها به افراد میانجی مطلع از موازین حقوقی محول می‌گردد تا آنان طرق جبران خسارت را بررسی نمایند و چنانچه تصمیم میانجی مورد تأیید قرار گرفت برآن اساس عمل شود.

۵- کار در مزرعه و به سر بردن در طبیعت وحشی برای مدت کوتاه دو سه هفته‌ای، تا نوجوان به صبر خوگیری و طریق مقابله با مشکلات را بیاموزد.

پس از او آقای «ژان زرماتن» درخصوص «مسئولیت خاص قاضی دادگاه نوجوانان» سخن گفت و با تأسف از تفکر رایجی که قضاوت در مورد نوجوانان را کم‌اهمیت‌تر از قضاوت در سایر موارد می‌شمارد به اهمیت قاضی نوجوانان در سوئیس اشاره کرد و یادآور شد که قاضی نوجوانان معمولاً در مرحله دشوار تکامل کودک به میدان قضاوت در اعمال او پای می‌گذارد و می‌کوشد که با بازسازی و بازپروری کودک بزهکار او را برای ایفای وظائف اجتماعی یاری کند. پس قضاوت در این

خصوصاً پیش از وظیفه شغلی است. عملی است که در عین لذت‌بخش بودن، دشوار و پیچیده است.

قاضی نوجوانان تأثیر شگرفی در بزرگسالی کودکان خواهد داشت. بدین لحاظ تصمیمات قضائی باید به بهبود شرایط نوجوان کمک کند تا زمینه ارتکاب جرائم بعدی مرتفع شود. سپس متواضعانه، با تکیه بر تجربیات ۲۵ ساله قضاوت خود، بعضی از مطالبات و مستحسنان را در قضاوت نوجوانان یادآور شد. از آن جمله اینکه:

هر کودکی فی‌نفسه دارای اهمیت است. پس نگاه باید معطوف به بزهکار باشد نه بزه. آنچه پس از اثبات ارتکاب جرم مهم است تحقیق در وضعیت فردی آن کودک است. تنها از طریق تحقیق در سوابق کودک است که قاضی می‌تواند در پی نیل به اهدافی خاص باشد. انفرادی ساختن اقدامات قضائی این امکان را فراهم می‌سازد که قبای هر کودک را به اندازه قامت او بدوزیم و از یکسان‌نگری و کلی‌گرایی بپرهیزیم او با اعتمادی عمیق به شباهت بسیار میان طبابت و قضاوت درخصوص بزهکاری نوجوانان، وجوه همانندی را چنین برشمرد:

وجود درد بیمار را به مراجعه به طبیب راهبر می‌شود و ارتکاب خطا، نوجوان را به قاضی. طبیب وجود بیماری را احراز می‌کند و این یک ارتکاب خطا را. طبیب علل بروز بیماری را می‌جوید و قاضی نوجوانان علل ارتکاب جرم را. طبیب دارو تجویز می‌کند و قاضی اقدامات تربیتی را. طبیب تا شفای کامل بیمار بر حال او مراقبت می‌کند و قاضی تا اطمینان به بازبروری او، به سنجش حکم خود می‌پردازد.

دیگر اینکه قاضی نوجوانان به کمک متخصصان بسیاری نیازمند است: مددکاران اجتماعی، که روابط میان کودک و خانواده یا مدرسه را مشخص کرده و در می‌یابند که مشکل اصلی کجاست، روان‌شناسان و متخصصان اعتیاد و نیز مشاوران دیگر. بدیهی است که هرچه مسأله پیچیده‌تر باشد نیاز به متخصصان در زمینه‌های بسیار بیشتر

خواهد بود. قاضی برای قضاوت خویش نیازمند اطلاعات است. او براساس این داده‌ها تصمیم می‌گیرد. هرچه اقدامات جمعی هماهنگتر و صمیمانه‌تر باشد، تصمیم دقیقتر خواهد بود. قاضی نوجوانان باید چنان عمل کند که کودک و خانواده‌اش به او اعتماد کنند. در سایه این اعتماد است که می‌توان به قلب مسأله زد.

نکته دیگر وصول به عدالت از طریق مذاکره است. در روابط میان کودک و قاضی، باید از طریق مذاکره به عدالت رسید. تصمیمات قضائی صحیح خود به خود از گوشه‌یی نازل نمی‌شوند بلکه حاصل تلاشی هستند که از راه تحقیقات و بررسی راه‌حلهای، از طریق گفتگو و مذاکره با کودک و خانواده او به دست می‌آیند. در حقیقت نقش قاضی در رسیدگی به بزه نوجوانان با اتخاذ تصمیم پایان نمی‌پذیرد. او باید مطمئن شود که با تصمیم او شرایط ارتکاب جرم تغییر خواهد یافت.

نکته دیگر اهمیت سرعت در اقدامات قضائی است. کودک باید دریابد که بین عمل او و عکس‌العمل اجتماع فاصله ایجاد نمی‌شود. هرچند سرعت در دادرسی بزرگسالان نیز مطلوب است اما در امر دادرسی نوجوانان وجود سرعت ضرورت است. کودک ماه‌ها را سالی می‌بیند. مفهوم زمان در ذهن کودک متفاوت با همان چیز در ذهن بزرگسالان است.

نکته دیگر اتخاذ تصمیم قضائی براساس مذاکره و گفتگو با نوجوان است. بدون مذاکره و تفاهم با کودک نباید تصمیمی گرفت. همچنین محرومیت از آزادی را باید به حداقل رساند و حتی‌المقدور باید از جایگزینها استفاده کرد.

### پنجشنبه ۲۷ خرداد

خانم «ژوزین یونگرتاس»<sup>۱</sup> استاد جرم‌شناسی دانشگاه هلند در مورد «نقش و

مسئولیت جامعه» سخنرانی کرد. نامبرده که مشاور دولت هلند در زمینه حقوق کودکان بوده است درخصوص جایگزینهای مجازات حبس در هلند چنین گفت که این کشور با بهره‌گیری از الگویی که در انگلستان معمول بوده، به صورت آزمایشی و زیرنظر کمیته‌یی مرکب از دادستان، قضات، مددکاران اجتماعی و مسئولان دیگر سعی نمودند که در نواحی مختلف کشور به جای اعزام جوانان به زندان به طرقی دیگر نسبت به جبران خسارات وارده به مجنی‌علیهم اقدام نمایند و این تجربه را تجربه‌یی مفید توصیف نمود.

همچنین اینکه در هلند تنها حدود ۲۰٪ از پرونده‌های نوجوانان به دادگاه ارسال می‌شود. چه در بسیاری از جرائم، پلیس رأساً تصمیم می‌گیرد که چه اقدام مناسبی را به جا آورد. به این نحو که دادستانها صورت جرائمی را که پلیس حق اقدام دارد معین می‌نمایند و آنان درخصوص این جرائم خود تصمیم گرفته و نتیجه را به دادستان گزارش می‌نمایند.

نکته دیگر در سخنان وی این بود که در هلند حداقل سن مسئولیت کیفری ۱۲ سال است و درخصوص جرائم ارتكابی نوجوانان بین ۱۲ تا ۱۶ سال حداکثر مجازات ۱ سال حبس و در مورد جرائم ارتكابی جوانان بین ۱۶ تا ۱۸ سال چنانچه پرونده در دادگاه نوجوانان مطرح شود حداکثر مجازات ۲ سال حبس است.

پس از ایشان خانم «رناته وینتر» در زمینه «روشهای جایگزین، عوامل کلیدی، چگونه همکاری را بیاموزیم» به بیان این مسأله پرداخت که جوان بزهکار تنها در صورتی باید به زندان روانه شود که هیچ راه‌حل دیگری متصور نباشد. همچنین با یادآوری ماده ۴۰ پیمان‌نامه حقوق کودک که بر شیوه‌های پرهیز از اقدامات قضائی

درخصوص جوانان بزهکار تأکید نموده، به مقایسه سه نمونه از واکنش در قبال جرائم جوانان پرداخت:

الف - نمونه تنبیهی: که هدف از آن ایراد صدمه به مرتکب بزه به صورتی عینی است. این شیوه هر چند مانع از اعمال مجازاتهای خودسرانه از ناحیه دیگران می‌شود ولی نه حافظ منافع جامعه و مجنی‌علیه است و نه مانع تکرار جرم.

ب - نمونه حمایتی یا بازپروری: که هدف آن بازپروری مرتکبان خلاف و حمایت از آنان است. در این شیوه که به صورت انفرادی شکل می‌گیرد، اگرچه وضعیت و شرایط متهم در نظر گرفته می‌شود لیکن چون در آن رفتار خطاکارانه مرتکب مورد لحاظ واقع نمی‌شود اکثر کشورها نمونه ترکیبی را، که دربرگیرنده نمونه اول و این نمونه است، اعمال می‌کنند.

ج - نمونه جبرانی: اهمیت این نمونه در آن است که خسارت مجنی‌علیه جبران می‌شود و طریق اعمال آن هم حل و فصل قضیه توسط مددکاران اجتماعی یا میانجیها است.

### جمعه ۲۸ خرداد

خانم «ژالدین وان بورن» در مورد «گروه خانوادگی» به عنوان روشی معمول در بعضی از کشورها و طریقی مقبول برای حل و فصل دعاوی چنین توضیح داد که مطابق این شیوه هرگاه نوجوانی مرتکب بزه‌ای شده باشد به همراه خانواده‌اش و نیز زیان‌دیده از جرم گردهم می‌نشینند. بدو بزهکار به عمل خطای خویش اقرار و اعتراف می‌نماید سپس خانواده وی به عنوان حامی او دخالت نموده و با مذاکره و گفتگو وجهی از طفل دریافت نموده یا طریقی دیگر برای جبران خسارات وارده می‌یابند. به گفته وی

این روش برآمده از زلاندنو و قبائل سرخ‌پوستان بوده است و هم‌اکنون در زلاندنو این شیوه عمل برای کلیه جرائم، غیر از قتل، به اجرا درمی‌آید.<sup>۱</sup>

سپس آقای «کلاپلار» درخصوص «عدالت و دادرسی نوجوانان» در بلژیک سخن رانده و اظهار داشت که سن مسئولیت کیفری در آن کشور ۱۸ سالگی است و تنها زمانی که نوجوانی بین ۱۶ تا ۱۸ سال داشته و مرتکب جرم مهمی مانند قتل شود مطابق نظام کیفری بزرگسالان با او رفتار می‌شود که تعداد این گونه پرونده‌ها به ده مورد در سال هم نمی‌رسد.

براساس نظام دادرسی نوجوانان در بلژیک اقداماتی که درخصوص نوجوان بزهکار به عمل می‌آید در وهله اول برنامه آموزشی است و پس از آن دستور ماندن در خانه با انجام نظارت و نیز سرانجام نگهداری نوجوان در مؤسسه‌ها و نهادها.

آخرین سخنران این کارگاه بین‌المللی پرفسور «اسپرینگروم» بود که با جمع‌بندی نهایی مطالب مربوط به نظام دادرسی نوجوانان درخصوص نکات زیر سخن راند:

الف: تعهد دولت

ب: نقش مجازات‌ها

ج: تأثیرات بین‌المللی

نامبرده در زمینه تعهد دولت یادآور شد که اگرچه دولت‌ها تکلیف به پیشگیری از وقوع جرم و مقابله با شرایط جرم‌زاد را دارند ولی چون به تنهایی از عهده این امر برنمی‌آیند ضروری است که سازمانهای غیردولتی و نهادهای مردمی نیز در این امر مشارکت نمایند.

۱- میان قبایل عرب خوزستان نیز برای فیصله دادن به بعضی دعوای رسمی است موسوم به «فصل» که مقدار فصل و نحوه تا دیه آن با حضور ریش‌سفیدان قوم مشخص می‌گردد. در این خصوص رجوع کنید به: «آیین فصل»، جلال آل‌احمد، کارنامه سه ساله، چاپ اول، کتاب زمان، ص ۲۵ به بعد.

در مورد نقش مجازاتها اظهار داشت که مجازات عکس‌العملی است احساسی و جرم‌شناسان براین باورند که ضرر مجازات بیش از فایده آن است و به ناچار باید در پی جایگزین مجازاتها بود.

در زمینه تأثیر بین‌المللی، از نقش پیمان‌نامه در ارتقاء حقوق کودک سخن گفت و نیز سرانجام به آموزش و تقویت مبانی دینی و اعتقادی در کودکان و نوجوانان به‌عنوان عاملی مؤثر در صیانت جامعه از وقوع جرم یاد نمود و بدین سان کارگاه بین‌المللی مزبور پایان پذیرفت.

\*\*\*

## قاضی و قبول تبرک

به قفل و پرّه زرین همی توان بستن  
زبان خلق و به افسون دهان شیوا مار  
تبرک از در قاضی چو بازش آوردی  
دیانت از در دیگر برون شود ناچار

سعدی موعظ ۸۲۷